

اختتامیه بخش «تجلی اراده ملی» جشنواره فجر

اختتامیه بخش تجلی اراده ملی چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر امروز یکشنبه ۲۹ بهمن با حضور هنرمندان، مدیران و اصحاب رسانه برگزار می‌شود.

علی‌م‌رادخانی، مدیر بخش تجلی اراده ملی، ضمن اعلام جزئیات بخش تجلی اراده ملی این دوره از جشنواره فیلم فجر عنوان کرد: بعد از انتشار فراخوان، با دستگاه‌ها و نهادهایی که برای مشارکت در این بخش اعلام آمادگی کردند، وارد مذاکره شدیم

و طبق ضوابط این دوره از جشنواره، حضور ۱۸ دستگاه و ارگان در بخش تجلی اراده ملی جشنواره چهل‌ودوم فیلم فجر قطعی شد. وی افزود: نزدیک به ۴۰ ارگان به‌طور جدی تقاضای حضور در این بخش را داشتند که با توجه به بررسی‌های به‌عمل‌آمده، حضور ۱۸ نهاد و دستگاه در این دوره را پذیرا خواهیم بود. آستان قدس رضوی، بانک سینا، بانک ملت، بنیاد ۱۵ خرداد، بنیاد تعلیم و تربیت برهان، بنیاد خیریه خیر ماندگار، سازمان امور مالیاتی، سازمان بسیج دانشجویی، سازمان بهزیستی، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، ستاد حقوق بشر، ستاد راهیان نور، ستاد ملی جمعیت، شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور، معاونت زنان ریاست جمهوری، موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ نهادها و دستگاه‌های مشارکت‌کننده در بخش تجلی اراده ملی چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر هستند.

گفت و گوی «جام جم» با محمد آهنگرانی، کارگردان «تو چال»

تو چال، برداشتی از واقعیت است



فیلم «تو چال» به کارگردانی محمد آهنگرانی داستان ارتباط عاطفی یک گروه فرنگ و هنر

مریسی اسکی با زنی جوان را روایت می‌کند. این فیلم با فاصله‌ای شش ساله از زمان تولید، از ۲۷ دی‌رو پرده سینما رفته و از لحاظ فروش و مخاطب در نقطه خوبی قرار نگرفته که شاید یکی از دلایل اصلی آن قرار گرفتن در بازه زمانی اکران فیلم‌های جشنواره فجر و دیگری فاصله بین اکران و تولید است. این فیلم در شرایط سخت آب و هوای کوهستان ساخته شده و عوامل سازنده با چالش‌های مختلفی روبه‌رو بودند؛ همین موضوع بهانه‌ای شد که با محمد آهنگرانی، کارگردان فیلم گفت‌وگو کنیم که در ادامه می‌خوانید.

آنچه از شما به یاد داریم، ساخت فیلم‌های کم‌دی است، چه شد که تصمیم گرفتید فیلم تو چال را به عنوان یک ملودرام اجتماعی کارگردانی کنید؟

من قصه اجتماعی زیاد داشتم اما شرایط ساخت آن پیش نیامد و با این‌که طنز کار کردم، گرایش کاری خودم، ساخت فیلم اجتماعی بود. شش سال پیش یادوستانم در جایی نشسته بودم و آنها در حال صحبت از یک قصه واقعی بودند و کنج‌گوش‌شدم و ما جزا پرسیدیم. در واقع خیلی خلاصه این ماجرا را از زبان دوستانم شنیدم؛ یعنی یکی از بچه‌های امداد و نجات کوهستان بود و چند نفر را نجات می‌دهد اما خودش گرفتار می‌شود. وقتی وارد بیست می‌شود، عاشق می‌شود و بقیه ماجرا. از این داستان خوشم آمد و نوشتم آن را به بچه‌ها واگذار کردم. بنابراین پس از آن، ساخت تو چال از جمله دغدغه‌هایم شد.

با توجه به تولید فیلم در سال ۹۶ و فاصله چندساله بین تولید و اکران تو چال برای مخاطبانی که با انواع و اقسام رسانه‌های خانگی و مجازی سرو کار دارند، می‌تواند جذاب باشد؟

خبر، شاید یکی از لحظه‌هایی که به فیلم وارد شد، مربوط به همین فاصله تولید و اکران است؛ چون بحث فنی کار خیلی طول کشید و تا زمانی که فیلم آماده شد؛ حتی چند هفته قبل از کرونا رفتم قرارداد بخش بستیم. یکی از دوستان که نام نمی‌برم به شورای صنفی رفت و گفت نوبت پخش کار ماست. آنها هم گفتند یکی دو هفته صبر کن اتفاق نمی‌افتد اما دیگر ما مجرای کرونا شدیم و دو سه سال پخش فیلم عقب افتاد. علاوه بر این فقدان تبلیغات هم به ما آسیب رساند و چندان روی تبلیغات مانور ندادیم. بیشتر قصدمان این بود که فیلم اکران شود و از این بلا تکلیفی نجات پیدا کنیم.

فکر می‌کنید این قصه چه تازگی برای مخاطبان داشت؛ چون در این فیلم هم شاهد نوعی مثلث عاطفی بودیم که در بسیاری از فیلم‌ها به آن اشاره

شده است. معتقدم فضای فیلم مافقط



متفاوت بود و فکر نمی‌کنم در ایران به جز «جاده‌های سرد» آقای جعفری جوانی چندان در این فضا کار کرده باشد وگرنه فرقی با داستان‌های دیگر ندارد و عشق و حادثه پس‌زمینه مشترک بسیاری از قصه فیلم‌های اروپایی هم محسوب می‌شود اما نقطه دید کارگردان آن را متمایز می‌کند.

چطور شد که با پژمان بازغی و لیلای زارع به عنوان بازیگر همکاری کردید؟

هر دو بازیگر قصه را که خواندند، به کار کردن در پروژه علاقه مند شدند. خانم زارعی به دلیل این‌که قصه محوری با شخصیت زن پیش می‌رفت، آن را دوست داشت. بقیه دوستان از جمله پژمان بازغی هم کار را دوست داشت و اکثرشان با فضای برف و سنگینی برف آشنا بودند. شهاب شادابی هم به عنوان سلع سوم قصه عاطفی ما قبلا در سریال آقای سامان بازی کرده‌ام و بسیار با استعداد و منضبطی است.

چرا ترجیح دادید پایان این قصه تلخ باشد؛ آیا سردی فضای داستان، می‌تواند استعاره‌ای برای پایان آن باشد؟

نه، این واقعیتی بود که اتفاق افتاده بود و می‌توانست در سرما یا گرمای ۴۰ درجه باشد، اما محل وقوع داستان در بیست اسکی بود.

آیا آشنایی قبلی نسبت به محیطی که در آن کار کردید نداشتید؟ خیر. آشنایی قبلی نداشتیم، اما در ۹۰ فیلم سینمایی مدیر برنامه‌ریزی و دستیار کارگردان بودم و اکثر کارهای سخت بوده و به آن عادت داشتم. به جز این، قبل از این‌که وارد تو چال شوم، به

تمام بیست‌های ایران سرزدیم، از اسپیدان شیراز تا دیزین تهران. با توجه به این‌که بیست تو چال مربوط به نهاد سازمانی خاصی بود، فکر می‌کردم برای کار چالش داشته باشیم، اما خلاف تصور با کمترین مشکل کارمان را پیش بردیم.

از چالش‌های کار کردن در محیط

کوهستانی بگوئید.

شرایط کار در بیست اسکی با وجود سرمای منفی ۳۰ درجه بسیار کشنده بود. به هر حال، وقتی در چنین شرایطی کار کنید، مسائلی از زیر دست‌تان در می‌رود و این طبیعی است. ما امداد و نجات را خیلی ساده نشان دادیم و بارها بالاگرد هماهنگ کردیم که یک‌سری صحنه‌ها را با بالاگرد بگیریم. ما تنها یک روز کلی شات کار کردیم و صبح تا شب در تلاش بودیم که مقداری پلان هوایی بگیریم، اما خیلی سخت بود و وسیله فیلمبرداری مان را بادی می‌برد. بسیاری از بچه‌ها خودشان را با شرایط وفق می‌دادند و بعضی نمی‌توانستند؛ یعنی گاهی پیش می‌آمد که نیم‌ساعت در روز فیلمبرداری می‌کردیم و نیم‌ساعت بچه‌ها زیر اکسیژن بودند، چون اکسیژن هواد در کوه نصف است و این شرایط هنگام شب وحشتناک‌تر می‌شد. مایک پلان از جلوه‌های ویژه استفاده نکردیم و حتی یادم می‌آید در صحنه‌هایی بچه‌ها پای دوربین را نگه می‌داشتند تا باد نبرد. بازهم با وجود این شرایط کار برای ما خوب بود و فکر می‌کنم اگر می‌خواستیم جای دیگری کار کنیم، دشواری چندین برابر بود. بیست تو چال به نظرم خیلی حرفه‌ای نبود و شیب کمتری نسبت به بیست‌های دیگر داشت و ما می‌خواستیم هتل دقیقاً داخل بیست باشد. به هر حال، کاری بود که بالاخره به سرانجام رساندیم و به نظرم انجام دادش بزرگ بود. زمانی با ما آقای گبرلو برای فیلم «یکی برای همه» قرار گذاشتیم و قبل از رفتن به استودیو پخش گفتیم کاش دوستانی که قرار است فیلمی را نقد کنند، شرایط تولید کار ما را که مستقل هستیم و روی پای خود ایستادیم بدانند. با تمام سختی‌ها بچه‌ها عاشق کارشان بودند و به‌ندرت حتی پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها برای استراحت پایین می‌آمدند و معمولاً خودم وقتی کار داشتم به سطح شهر می‌آمدم.

ظواهر این فیلم را با بودجه کمی تولید کردید. بله، وقتی بودجه کافی باشد، فرصت و وقت بیشتری برای پرداختن به وجوه مختلف ساخت فیلم داریم و به جای ۳۰ روز فیلمبرداری، آن را ۶۰ روزه به پایان می‌رسانیم. در واقع، کمبود بودجه من را بیشتر از شرایط

برش

قبل از شروع تو چال، تصادف سختی داشتیم

محمد آهنگرانی، کارگردان فیلم تو چال درباره خاطره ناخوشایندی که قبل از شروع فیلمبرداری داشته، گفت: قرار بود تو چال را در خرداد ماه شروع کنیم و اوایل خرداد که می‌خواستیم کار را شروع کنیم، برف وجود داشت، اما قابلیت اسکی نداشت. متأسفانه هشتم خرداد تصادف کردم و چفت پاهایم، دست‌هایم و دنده‌هایم شکست و در آخرین جلسات، بچه‌های گروه فیلمبرداری مرا با ویلچر می‌بردند و تازه وقتی از روی ویلچر بلند شدم، سر جلسات فیلمبرداری برای کار حاضر شدم.

یادداشت

+

شهاب شادابی، بازیگر فیلم تو چال:

نبود اکسیژن و تغییر آب و هوا در تو چال چالش ما بود

گاهی اوقات صحبت راجع به کارهای سینمایی با تلویزیونی یا حتی تئاتر، مرا به تکرار می‌کشاند، چون هیچ‌گاه یاد ندارم کاری طبق اصول درستی ساخته و پخش شده باشد و همیشه با مواردی در ساخت و پخش روبه‌رو می‌شویم که هضمش برایم مشکل است اما روند تکامل کاری‌ام در سینما به این نقطه رسیده که اگر کاری با اصول و پایه درست دیدم، تعجب کنم که البته مدت‌هاست تعجب نکرده‌ام و فیلم تو چال هم از این قاعده مستثنا نبود.

در ابتدا با فیلمنامه‌ای روبه‌رو شدم که زوایای خوب و قابل پرداختنی داشت و مرا جذب کرد و هنگام خوانش فیلمنامه لحظاتی را در ذهنم می‌ساختم که به وجد می‌آمدم اما هنگام ساخت متوجه شدم تمام آن لحظات سربای پیش نبود، چون بنا به بسیاری از مسائل از جمله لوکیشن سخت، فیلمنامه دستخوش تغییرات شده بود اما همیشه یاد زهری برای هر مشکلی یافت می‌شود و در این پروژه، فیلمبردار حاذق این کار (شهرام اسدی) مشکلات لوکیشن سخت را به یک امتیاز تبدیل کرد. او به شرایط مسلط بود و تکنیک و علم خاصی را در توشه خود داشت. در طول پروژه، مشکلات بسیار بود. از نبودن اکسیژن گرفته تا نبودن برنامه خاص برای ترتیب سکانس‌ها به خاطر تغییرات ناگهانی آب و هوا و تقریباً بزرگ‌ترین دشمن ما در آن لحظات طبیعت بود. بعد از یک ماه با هر مشکلی که بود، با

تغییراتی در فیلمنامه کار ساخته شد که البته تا جایی که می‌دانم علی‌تهرانی، نویسنده، خودش هم راضی و خشنود از تغییرات نبود. این فیلم در نوع خود، اولین در ایران و دنیاست. فیلمی که یک ماهه ساخته شد و شش سال بعد در بدترین روزهای اکران یک فیلم، اکران شد. می‌توانم مسائل مالی را مقرر اصلی این موضوع بدانم. این فیلم خیلی از مسائل را تحمل کرد. از طرف دیگر حضور افرادی در سینما که با شوق دیده شدن، ارائه هنر را راهی برای جبران شکست‌های گذشته خود می‌دانند ولی هیچ تخصص و دانشی در این زمینه ندارند، موضوع تازه‌ای نیست. عواقب همکاری با افراد کم دانش همه مشکلاتی می‌شود که شش سال ممکن است یک محصول سینمایی را عقب بیندازد. چه کسی می‌داند کارگردان و عوامل این دست کارها چه آسیب‌هایی را تحمل می‌کنند. وانگهی به‌طور شخصی دیگر برایم این مسائل مهم نیست. در حال حاضر فیلم‌هایی ساخته می‌شود که مرزهای هجو را جایی‌جا می‌کنند و از طرفی مورد تأیید مسئولان است. سینمایی که ترک کردن سالن سینما وسط فیلم توسط مردم برایش عادی شده و برعکس بسیاری از فیلم‌ها فروش خوبی دارند. دیگر نگرانی راجع به هنر واقعی و پیام یک محصول، کاری پیچیده‌است. در آخر خوشحالم که در کنار لیلای زارع کار کردم و از مصاحبت و

با او، محمد و جمشید آهنگرانی و شهریار اسدی و نویسنده دوست داشتم، علی‌تهرانی بسیار لذت بردم و خرسندم. امیدوارم روزی ارزش‌های سینما به جایگاه خود برگردد تا هنرمندان بتوانند تن زخمی سینمای ایران را التیام بخشند.



سینما

بهرام افشاری به دنبال اکران نوروزی

همزمان با به پایان رسیدن مراحل فنی فیلم سینمایی «هفتاد سی»، نخستین عکس از بهرام افشاری در این فیلم منتشر شد.

مراحل فنی سینمایی «هفتاد سی» به کارگردانی بهرام افشاری به پایان رسید و این فیلم سینمایی



از متقاضیان اکران نوروز ۱۴۰۳ است و پخش آن را فیلمبردار بر عهده دارد. هفتاد سی، نخستین تجربه بهرام افشاری در زمینه کارگردانی سینماست که سیدابراهیم عامریان آن را تهیه کرده است. در «هفتاد سی» که اثری کم‌دی – اجتماعی است، بهرام افشاری، هوتن شکیبا، الهه حصاری، صدف اسپهبدی، حسین پاکدل، مهدی حسینی‌نیا، سیاوش طهمورث و ناهید مسلمی به ایفای نقش می‌پردازند. بهرام افشاری که با فیلم پرفروش «فسیل» موفقیت بسیاری در گیشه به دست آورد، پیش از این فیلم کوتاه «خانه خاکستری» را کارگردانی کرده بود. بهرام افشاری این روزها ایفای نقش اصلی فیلم «مرد عینکی» به تهیه‌کنندگی عامریان و کارگردانی کریم امینی را هم بر عهده دارد. بهرام افشاری قصد دارد با «هفتاد سی» موفقیت فیلم فسیل را در عرصه کارگردانی تجربه کند.

برده نقره‌ای

آغاز نمایش «انتخاب»

اکران فیلم سینمایی «انتخاب» به نویسندگی و کارگردانی امید نیک‌نام و تهیه‌کنندگی احمدرضا مسعودی از امروز یکشنبه ۲۹ بهمن در سینماهای منتخب هنر و تجربه آغاز می‌شود.

همزمان با آغاز اکران، مراسم رونمایی این فیلم نیز با حضور عوامل و بازیگران فردا در



پردیس سینمایی چارسو برگزار خواهد شد. محمود پاک‌نیت، عباس جمشیدی‌فر، فقیهه سلطانی و سجاد شهریار بازیگران این فیلم هستند. در خلاصه داستان انتخاب آمده است: آرش نویسنده‌ای است که دچار چالش‌هایی در زندگی‌اش شده و به همین دلیل به سمت شهری که استادش زندگی می‌کند، سفر کرده تا از او راهنمایی و مشورت بگیرد. در این مسیر با افراد مختلفی آشنا می‌شود که باعث می‌شوند مسیر زندگی او تغییر یابد. عوامل این فیلم عبارتند از: تهیه‌کننده: احمدرضا مسعودی، نویسنده و کارگردان: امید نیک‌نام، مجری طرح: لایلا حیدری، فیلمبردار: سعید حصاری، صدابردار: نصیر خیری، طراح چهره‌پردازی: فاطمه ستاری، طراح صحنه و لباس: شیرین اتفاق، تدوین: امید نیک‌نام، مشاور رسانه‌ای: مریم قربانی‌نیا.

حماسه ناوگروه ۸۶ فیلم می‌شود

وزیر ارشاد در همایش ملی تبیین دستاوردهای ناوگروه ۸۶ گفت: سازمان سینمایی به‌زودی با تکمیل فرایند پیش‌تولید و تکمیل فیلمنامه کار فاختری را برای این حماسه بزرگ ناوگروه ۸۶ آغاز خواهد کرد. ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش متشکل از ناوشکن تمام‌ایرانی دنا و ناوبندر مکران، پس از هشت ماه دریانوردی و طی بیش از ۶۵ هزار کیلومتر مسیر دریایی یک دور ۳۶۰ درجه دور کره زمین را با موفقیت به پایان رساند.

